

---

## نقش زنان در گام دوم انقلاب؛ با تأکید بر الگوی سوم (زن نه شرقی و نه غربی)

---

زهرا حداد زاده بهابادی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

معصومه شریفی<sup>۲</sup>

محسن رفیعی<sup>۳</sup>

### چکیده

مسئله زن، حقیقت وجودی زن و کارکردهای زن، از دیرباز و در نظام‌های فکری مختلف، مورد توجه بوده است. هدف اساسی از این پژوهش، بررسی و تحلیل نقش زنان در گام دوم انقلاب، با تأکید بر زن الگوی سوم (زن نه شرقی و نه غربی) بوده است. نگاه شرقی و نگاه غربی به زن، همواره با افراط‌ها یا تفریط‌های مخرب همراه بوده است. در مقابل، اما نگاه اسلامی به زن، همراه با کرامت، معتدلانه و به دور از هرگونه افراط و تفریط بوده است که از این الگو در این پژوهش، با عنوان زن الگوی سوم یاد می‌شود. با توجه به اهمیت زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی، نقش مهم ایشان در پیشرفت و تعالی جامعه و

---

۱. دانشجویی کارشناسی آموزش عربی دانشگاه فرهنگیان، zahrahadadzadeh80@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قم dr\_sharifi\_masoomeh@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قم dr\_mohsen\_rafiei@yahoo.com

همچنین نقش الگوها در شکل‌گیری رفتار فردی و اجتماعی، انجام پژوهش در زمینه زنان و الگوهای زنان حائز اهمیت است. این پژوهش، به روش کتاب‌خانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها به شیوه توصیفی - تحلیلی، به سامان رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری هر یک از الگوهای سه‌گانه شرقی، غربی و اسلامی دخیل بوده‌اند. در نهایت، با توجه به نواقص و اشکالات موجود در دو الگوی نخست، این دو الگو مورد نقد قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که از برجسته‌ترین ویژگی‌های الگوی سوم زن، دارای کرامت انسانی، شریف، عفیف، پویا و در متن و مرکز، و - در عین حال - پاسدار و حافظ سنگر خانواده است که به همین جهت، به‌عنوان الگوی برتر برای زنان جهت دستیابی به اهداف والای گام دوم انقلاب معرفی می‌گردد. هفت هدف اصلی انقلاب در گام دوم، در بیانیه گام دوم انقلاب مشخص شده است که در این بین نقش‌آفرینی زنان در چهار محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی حائز اهمیت است. در پایان هم راه‌کارهایی برای تحقق هرچه بهتر این الگو در جامعه پیشنهاد گردیده است.

کلیدواژگان: زن، الگوی نه شرقی و نه غربی، الگوی سوم، گام دوم انقلاب

## ۱. مقدمه

نقش زنان در گام نخست انقلاب اسلامی و حتی در دوران پیش از انقلاب، نقشی بی‌بدیل بوده است. در گام دوم انقلاب نیز که دومین مرحله از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است، به نقش‌آفرینی زنان به‌عنوان عناصری مهم و تأثیرگذار نیازمندیم. به‌دلیل نقش کلیدی و مهم زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی و مرئوسان نیمه دیگر جامعه، انجام پژوهش‌هایی درمورد چگونگی نقش‌آفرینی زنان حائز اهمیت است. نقش زنان در گام دوم انقلاب در دو حوزه خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. در حوزه خانوادگی یا فردی، نقش زنان در تربیت فرزندان و ایجاد محیط آرامش و امنیت در خانه اهمیت دارد. در حوزه اجتماعی نیز، در عرصه‌های مختلف اجتماعی همچون عرصه‌های سیاسی، علمی و اقتصادی، زن به‌عنوان شخصیتی مستقل شناخته شده و قادر به نقش‌آفرینی فعال در جهت تحقق هرچه بهتر اهداف انقلاب اسلامی و به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن یعنی تمدن‌سازی است. بر این ضرورت وجود الگوهای رفتار فردی و اجتماعی برای زنان احساس می‌شود. تا قبل از شکل‌گیری مبارزات انقلابی مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، دو الگوی رایج زنان در جهان، الگوی شرقی و الگوی غربی از زن بودند که با تفاوت در مبانی فکری و فارغ از مرزهای جغرافیایی، در نقاط مختلف جهان یافت می‌شدند.

اولین الگو از جهت تقدم زمانی - و نه ژنیتی - الگوی زن شرقی است. در این الگو، زن به مثابه موجودی منفعل و ناتوان به حاشیه رانده می‌شد. در الگوی غربی نیز، به‌عنوان دومین الگوی رایج زنان، زن به‌عنوان کالایی جنسی در اختیار مردان و نظام سرمایه‌داری قرار داشت. اما با آغاز مبارزات انقلابی، زنان مسلمان ایرانی همدوش مردان، به مبارزه برای سرنگونی نظام شاهنشاهی و تشکیل حکومت اسلامی پرداختند و از این طریق الگوی جدیدی از زن تراز انقلاب را به نمایش جهانیان گذاردند. امروزه و در گام دوم انقلاب نیز، حضور زنان در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی ضروری است. برای حرکت در این مسیر به نقشه راهی مشخص و الگویی صحیح و

جامع از نقش‌آفرینی زنان نیازمندیم. بیانیه گام دوم انقلاب به مثابه منشور دومین مرحله از تمدن‌سازی، به‌عنوان نقشه راهی سودمند فراروی ملت ایران و به‌خصوص جوانان قرار دارد. الگوی زن مسلمان نیز که با تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی سوم زنان شناخته می‌شود، با دوری از افراط‌ها و تفریط‌های موجود در دو الگوی نخست زنان، به‌عنوان برترین الگو برای زنان جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی است. در الگوی سوم، زن به‌عنوان عنصری مهم و تأثیرگذار و شخصیتی تاریخ‌ساز شناخته می‌شود.

زن الگوی سوم، برخلاف زن غربی، عفیف، محجبه و پاسدار سنگر خانواده است. همچنین برخلاف زن شرقی، فعال، پویا و در متن و مرکز است. بر این، با تحقق ویژگی‌های زن الگوی سوم و فعلیت یافتن آن‌ها در زنان، می‌توان به اهداف انقلاب در گام دوم دست یافت. هفت هدف و محور اساسی گام دوم انقلاب که در بیانیه گام دوم توسط رهبر معظم انقلاب تبیین شده‌اند، علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی اسلامی هستند. در این بین، نقش‌آفرینی زنان در حیطه‌های علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی دارای اهمیتی ویژه است. بر این، انجام پژوهش‌هایی در جهت تبیین نقش زنان در پیشبرد اهداف انقلاب در گام دوم ضروری است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش زنان در گام دوم انقلاب، با تأکید بر الگوی سوم زن (زن نه شرقی نه غربی) است. بر این، پرسش اصلی پژوهش از این قرار خواهد بود: "نقش زنان در گام دوم انقلاب با تأکید بر الگوی سوم چیست؟" در صورت پاسخ به پرسش یادشده و سوالات دیگر، اهداف پژوهش محقق خواهد شد. این پژوهش، ابتدا به معرفی الگوهای سه‌گانه شرقی، غربی و الگوی سوم خواهد پرداخت. سپس وضعیت مطلوب زنان در گام دوم در حوزه‌های چهارگانه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی با تأکید بر الگوی سوم، ترسیم خواهد شد. در نهایت نیز پیشنهادهایی برای تحقق هرچه بهتر الگوی سوم در جامعه ارائه می‌گردد.

پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که درمورد زن و الگوهای زنان پژوهش‌های زیادی انجام شده‌اند، از جمله: کتاب الگوی سوم (الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه) نوشته فرج الله هدایت نیا (۱۳۹۵) و مقاله زن مسلمان ایرانی، الگوی سوم زن نه شرقی، نه غربی از قمر شیخ نوری (۱۳۹۶) و مقاله مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای) از عاطفه خادمی (۱۳۹۸) و درمورد نقش زنان در تمدن‌سازی در گام دوم انقلاب نیز مقالات تبیین الگوی مفهومی نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی از زینب یاسری (۱۳۹۷) و گام دوم زنان انقلابی در تمدن‌سازی اسلامی از فاطمه وفایی صدر (۱۳۹۹) و نقش زنان در جامعه‌پردازی اسلامی؛ با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب از راحله کاردوانی (۱۳۹۹) نوشته شده‌اند. اما اثری که مشخصاً نقش زنان در گام دوم انقلاب با تأکید بر الگوی سوم را مورد بررسی قرار دهد یافت نشد. بنابراین نوآوری و بدیع بودن این پژوهش در تبیین نقش زنان در گام دوم انقلاب در قالب الگوی سوم نهفته است.

این پژوهش با روش کتاب‌خانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. در این روش، با استفاده از اطلاعات کتب، مقالات و مجلات و با استفاده از ابزار فیش، در پی تبیین الگوی سوم زنان و بررسی نقش و جایگاه زنان در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر الگوی سوم زنان هستیم.

واژگان کلیدی: الگوی غربی زن، الگوی شرقی زن، الگوی سوم زن،

## ۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به مباحث اساسی پژوهش، تبیین و بررسی واژگان کلیدی ضروری است. به همین منظور، به ریشه‌یابی لغوی و اصطلاحی و بیان تعریف عملیاتی واژگان الگو و تمدن‌سازی خواهیم پرداخت.

### ۲.۱. الگو

الف) تعریف لغوی: الگو واژه‌ای ترکی است (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه الگو) و در

لغت‌نامه‌ها و فرهنگ لغات مختلف دارای معانی لغوی بعضاً مشترک و بعضاً متفاوت است. معنای عمومی و فراگیر الگو، نمونه و سرمشق است (دهخدا، ۱۳۱۹؛ معین، ۱۳۵۱؛ عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه الگو).

طرح نیز از دیگر معانی الگو به شمار می‌رود (معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه الگو). همچنین الگو، در برخی واژه‌نامه‌ها، به معنای مدل استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه الگو).

نیز واژه انگلیسی پارادایم<sup>۱</sup>، مأخوذ از واژه یونانی پارادیگما، که از دیگر واژگان به‌کاررفته در پژوهش است، ارتباط معنایی نزدیکی با واژه الگو دارد. پارادایم را می‌توان معادل مفاهیم الگو، نمونه، مثال و سرمشق دانست (خندان، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

اما امروزه پارادایم در معنای اصطلاحی خود، به معنای یک جهان‌بینی، چارچوب و نظریه کلی است که انسان راجع به قلمروئی از هستی دارد و با توجه به آن چارچوب به تفحص و بررسی جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد (زرشناس، ۱۳۸۳: ۷).

بنابراین در معنای لغوی الگو، واژگان نمونه، سرمشق، مدل، طرح و پارادایم مطرح‌اند که به نظر، واژه مدل به معنای طرح یا نمونه‌ای که چیزی را از روی آن می‌سازند (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه مدل)، به دلیل اشاره به ویژگی انطباق‌پذیری الگو، مناسب‌ترین معنا برای این واژه در پژوهش حاضر است.

**ب) تعریف اصطلاحی:** درمورد معنای اصطلاحی الگو، اندیشمندان و صاحب‌نظران، نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی، الگو را نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی می‌دانند (سورین و تانکارد، ۱۳۶۸: ۶۵). برخی نیز، الگو را به چیزی شکل‌گرفته در یک گروه اجتماعی، به این منظور که به‌عنوان راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید تعریف کرده‌اند (بیرو، ۱۳۶۶). مطابق با نظر دسته دیگری از اندیشمندان نیز، رفتار انتزاعی استانداردشده و نظم‌یافته در یک جامعه برای تشخیص این‌که چه رفتاری پذیرفته نیست

به‌عنوان الگو و میزان به کار می‌رود (نیک گهر، ۱۳۶۹).

ج) **تعریف عملیاتی:** از جمع‌بندی مطالب بیان‌شده، چنین به دست می‌آید که الگو، مدل و نمونه رفتاری شکل‌گرفته و استاندارد‌شده در یک جامعه است که به‌عنوان راهنمای عمل افراد در جهت تشخیص بهترین و بدترین رفتارها به منظور اتخاذ بهترین رفتار به کار گرفته می‌شود و قابلیت انطباق‌پذیری دارد. این تعریف از الگو، به‌عنوان معنای مختار نزد نگارنده و تعریف عملیاتی پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین معنای متأخر واژه پارادایم، به معنای جهان‌بینی، چارچوب و نظریه کلی، معنای برگزیده و عملیاتی از این واژه در این مقاله است.

## ۲.۲. تمدن‌سازی

الف) **تعریف لغوی:** برخی، تمدن را مصدری عربی و به معنای شهرنشینی دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه تمدن). به عقیده برخی نیز، تمدن مصدر عربی و به معنای شهرنشینی شدن یا اسم عربی و به معنای همکاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت است (معین، ۱۳۵۱: ذیل واژه تمدن).

دهخدا در لغت‌نامه خود، تمدن را به تَخَلُّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیة<sup>۱</sup> و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت تعریف کرده است (دهخدا، ۱۳۱۹: ذیل واژه تمدن). همچنین با توجه به فرهنگ ناظم الاطباء، تمدن را به اقامت کردن در شهر معنا نموده است (همان).

خوی شهری گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا شدن نیز، از دیگر معانی لغوی واژه تمدن در واژه‌نامه‌های فارسی است (عمید، ۱۳۳۵: ذیل واژه تمدن).

در زبان عربی نیز، واژگان المَدَنِيَّة، الحَضَر و الحضارة، مترادف تمدن به کار رفته‌اند (طیبیان، ۱۳۷۸: ۲۷۳). در قاموس المنهل متمدن به معنای متحصّر و مهتدّب و

متمدن‌سازی با افعال عربی تحضیر، تمدن، تهذیب و تثقیف استعمال شده است (عبدالنور و ادريس، ۱۹۸۶م: ۲۰۷).

برخی تمدن را مترادف با فرهنگ دانسته‌اند (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۲۶۷ و ۲۶۸). اما برخی دیگر، قائل به تفکیک معنایی این دو واژه شده‌اند. هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

**ب) تعریف اصطلاحی:** برای تمدن، تعاریف اصطلاحی مختلفی ارائه شده است. ویل دورانت، تمدن را نظامی اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی می‌شود و نظامی سیاسی که اخلاق و قانون، نگه دارنده آن است و نظامی اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند معرفی می‌کند (دورانت، تاریخ تمدن: ۳/۱؛ همو، درآمدی بر تاریخ تمدن: ۲۵۶). برخی نیز، تمدن را پدیده‌ای بهم‌تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربرمی‌گیرد می‌دانند (لوکاس، ۱۳۶۶: ۷ و ۱۶).

تعاریف دیگری نیز برای تمدن ارائه شده که برای پرهیز از درازنویسی، از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم.<sup>۱</sup>

**ج) تعریف عملیاتی:** آنچه گفته شد، معانی لغوی و اصطلاحی تمدن در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ لغات و دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف بود. اما معنای مقصود از تمدن‌سازی در این پژوهش، ایجاد تمدن اسلامی است.

### ۳. تبیین وضعیت مطلوب زنان در گام دوم انقلاب

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در پایان چهل ساله اول انقلاب و در آغاز چهل ساله دوم آن، در شرایطی که دشمنان مستکبر انقلاب اسلامی، گمان‌های باطلی در سر داشتند و کمر به نابودی آن بسته بودند، به شکلی هوشمندانه، حکیمانه و مدبرانه، بیانیه گام دوم انقلاب را

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۷۵/۱ و ۷۶؛ ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۲/۱.



صادر نمودند و به ترسیم افق‌ها و چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی که زمینه‌ساز حکومت جهانی حضرت حجت است پرداختند. در این بیانیه، رهبر معظم انقلاب، به هفت هدف و محور اساسی تأکید نمودند که عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی.

این بیانیه، گرچه خطاب به عموم ملت ایران و به‌ویژه جوانان صادر شده است، اما زنان از آن مستثنا نیستند. نیمی از جمعیت جوان کشور را زنان جوان تشکیل می‌دهند که می‌توان با تطبیق این اهداف بر ویژگی‌های آنان، مدل مطلوبی از نقش‌آفرینی آنان را ارائه کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی سوم زنان را به‌عنوان مدل مطلوب نقش‌آفرینی زنان معرفی نمودند که از طریق آن، تحقق اهداف انقلاب امکان‌پذیر می‌شود. به همین جهت تبیین الگوی سوم زنان ضرورت دارد. در این راستا، آشنایی با الگوی زن شرقی و الگوی زن غربی، به منظور تبیین الگوی سوم زنان، ضروری است که در زیر به معرفی این دو الگو و سپس الگوی سوم خواهیم پرداخت. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/41673>)

#### ۴. گذری بر زنان الگو

##### ۴.۱. الگوی زن شرقی

اولین الگو از جهت تقدم زمانی، الگوی زن شرقی است. کلیات الگوی زن شرقی، بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی آن، عبارت از کم‌دیدن زن و دخالت نکردن او در مسائل اجتماعی جامعه یا حتی برخی از امور خانوادگی است (الهی خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۶۱). در این الگو که مبتنی بر پارادایم سنتی است، حصر زن در خانه و اشتغال کامل او به شوهرداری و پرورش فرزندان، شایسته و مطلوب است. در این دیدگاه، زن به‌عنوان موجودی ضعیف و درخور ترحم و رسیدگی شناخته می‌شود. مسئولیت‌های اجتماعی و مهم،

موجودی قوی و کامل را می‌طلبید که برخوردار از هوش و عقل و توانایی‌های جسمی بیشتر باشد که تنها در مردان دیده می‌شود. بنابراین، زنان با توجه به تکوین و ذات ضعیف خود، توانایی برعهده گرفتن کارهای اساسی و کلان را ندارند و استعداد آن‌ها از شوهرداری و تربیت فرزندان فزونی نمی‌یابد (همان).

در این الگو، فایده وجود زن، تنها در رسیدگی به امور خانه و تکثیر نسل خلاصه می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). فروید، اساساً زن را پایینتر از مرد می‌داند و اعتقاد دارد که زمانی بدبختی و بیچارگی زن تسکین می‌یابد که بتواند پسری بدنیا بیاورد (لوید، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در اغلب موارد، زن الگوی شرقی، از کسب علم و دانش منع شده و اگر معلوماتی به او داده شود در جهت پیشبرد خانه و اداره شایسته خانواده است (الهی خراسانی، همان). چنین چارچوب فکری‌ای در تمام دنیا و در هر دین و آیین - از غرب تا شرق - با تفاوت در دلایل و شدت و ضعف آن، یافت می‌شود (محمدی، ۱۳۸۲).

در شکل‌گیری و رواج نگاه شرقی به زن در جامعه ایران، دلایل دینی، سیاسی و اجتماعی دخالت داشته‌اند.

در بعد دینی، عمدتاً بررسی و استخراج معارف اسلامی با پیش‌فرض‌هایی از زنان صورت گرفته که به نفی هرگونه فعالیت و مسئولیت اجتماعی از زنان منجر شده است. خانواده‌گرایی، عقیده به ناتوانی ذاتی زن و فسادافکنی وی از جمله پیش‌فرض‌هایی است که در استخراج معارف اسلامی با نگاه شرقی دخیل بوده‌اند (الهی خراسانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲ و ۱۶۳). در بعد اجتماعی نیز، نگاه عرف به زنان به عنوان موجوداتی ضعیف‌تر، ناتوان‌تر و ناقص‌تر از مردان موجب شد نقش و مسئولیت زنان به امور خانه‌داری محدود شود و عمده مسئولیت‌های اجتماعی به مردان به عنوان جنس برتر واگذار گردد. این نگاه به زنان را در سخنان افراد برجسته جامعه نیز می‌توان دید.<sup>۱</sup> اما در بعد سیاسی، تشکیل پارادایم سنتی و الگوی شرقی از زن در ایران، علاوه بر داشتن زمینه‌ای تاریخی، به دلیل وجود فرهنگ غربی در

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۳۶ و حلی، ۱۳۷۲: ۴۶/۲

جامعه ایران و سوءاستفاده از زن برای پیشبرد اهداف سیاسی و در نتیجه واکنش طبیعی حوزه به ترویج سبک زندگی غربی توسط روشنفکران ایرانی بوده است (همان: ۱۶۰). این پارادایم فکری، امروزه نیز در نقاط مختلفی از جهان رواج دارد.

## ۴.۲. الگوی زن غربی

دومین الگوی زنان از جهت تقدم زمانی، الگوی زن غربی است. الگوی زن غربی، مبتنی بر فمینیسم<sup>۱</sup> و متکی بر اصولی چون اومانیزم<sup>۲</sup>، سکولاریسم<sup>۳</sup> و لیبرالیسم<sup>۴</sup> است. فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی معتقد است، معنا کرده‌اند (روتلیج، ۱۸۳۶م: ۱۳).

شکل‌گیری الگوی زن غربی را می‌توان به قرن بیست نسبت داد. در این قرن، با گسترش بساط فناوری نوین و صنعت در غرب، کارخانجات با کمبود نیروی کار مواجه شدند. در پی چاره‌جویی صاحبان کارخانه‌ها، با اعطای حق مالکیت به زنان و تشویق آنان به اشتغال بیشتر و به بهانه ایجاد برابری، نیروی کار ارزان و مورد نیاز کارخانجات از میان زنان تأمین شد. فمینیسم، به عنوان جنبشی برای خواه، با حمایت از ایده برابری، در این مسیر، تأثیرگذار بوده است. به دنبال استقلال اقتصادی زنان، دیدگاه‌ها نسبت به زن تغییر کرد و زن به عنوان قدرتی برای بازاریابی شناخته شد. البته زنی عریان یا نیمه عریان، که بتواند نگاه‌ها را به سمت خود جلب کند. در نتیجه این امر، فسادهای اخلاقی زیادی گسترش یافت و زن به عنوان کالایی برای آسودگی مرد به عرضه گذاشته شد (فتیحی، ۱۳۸۴: ۱۰).

در نتیجه، زن غربی به کالایی جنسی برای فروش و ابزاری برای لذت‌جویی مردان مبدل گشت و جنبه جنسیتی او بر جنبه انسانی‌اش سبقت گرفت. در پی این اقدامات، حجاب

---

1. Feminism  
2. Humanism  
3. Secularism  
4. Liberalism

از زن غربی گرفته شد و عربانی به عنوان افتخار برای او مطرح گردید. زین پس، عفاف و حیا، به عنوان ویژگی‌های ارزشمندی زنان شناخته نمی‌شد و زیبایی و جلوه‌گری، ملاک شایستگی زنان معرفی می‌شد.

همچنین جنبش فمینیسم، با ماهیتی اومانستی، به انکار خدا پرداخت، که به دنبال آن، مسائل مادران مجرد، پدران غایب، شیوع گسترده بیماری‌ها و سقط جنین را رواج داد (پاسنو، ۱۳۸۴: ۸۸).

فمینیست‌ها، با شعار برابری و با نفی تفاوت‌های میان زن و مرد، بیشترین آسیب را به زنان وارد آوردند و با تأکید افراطی بر فعالیت‌های خارج از خانه، نقش مادری و همسری زن را کم‌رنگ و در نتیجه آن، ساختار خانوادگی و اجتماعی جامعه را دچار به هم ریختگی کردند.

در این الگو، حضور اجتماعی زن به معنای تأثیر علمی، اقتصادی و سیاسی نبوده است بلکه جلوه‌گری و خودنمایی، مصداقی از حضور اجتماعی آنان به شمار رفته است. در نتیجه، ظلمی که غرب به زن، به واسطه خروج او از محیط خانه، سوق دادن او به سمت جلوه‌گری و بی‌حیایی و نفی صفات زنانه، روا داشته است، ظلمی بزرگ و نابخشودنی است.

### ۴.۳. الگوی سوم زن

با گذر از افراط‌ها و تفریط‌های موجود در دو الگوی نخست، سخن از الگوی سومی معتدل و مترقی است که در آن، زن به عنوان موجودی مؤثر و متعالی شناخته می‌شود. این الگو دارای دو بعد کلی است. بعد خانوادگی، مربوط به مهم‌ترین نقش‌های زنان یعنی نقش همسری و مادری است و بر محوریت و مرکزیت زن در خانه تأکید دارد. بعد اجتماعی نیز، شامل فعالیت‌های زنان خارج از محیط خانه و در محیط اجتماع مبتنی بر شناخت اقتضائات زمان است.

این الگو که از ابداعات رهبر معظم انقلاب اسلامی است، اولین بار در پیام ایشان به

کنگره هفت هزار زن شهید کشور در اسفندماه ۱۳۹۱، همراه با نقد دو الگوی رایج زنان، بدین شکل معرفی و مطرح گردید: «زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، زن نه شرقی، نه غربی است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد» (امام خامنه‌ای، پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱ / ۱۲ / ۱۶، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/22138>).

چنانچه از فرمایش مقام معظم رهبری به دست می‌آید، زن الگوی سوم، با گذر از دو الگوی مبتذل غربی و دست پایین شرقی، شکل جدیدی از نقش‌آفرینی خانوادگی و اجتماعی زن را به نمایش گذارده است که در آن، علاوه بر پذیرش نقش‌های مهم خانوادگی همچون نقش همسری و مادری و قرارگرفتن در محور و مرکز خانواده، در صورت نیاز، در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی نیز ورود کرده و با حفظ مرکزیت خود، حضوری مؤثر را رقم خواهد زد.

در بعد خانوادگی، زن الگوی سوم، برخلاف زن الگوی غربی، به زن بودن خود مفتخر است و دامنه تأثیر خود را می‌شناسد و جزئی‌ترین فعل خود را علاوه بر اثر خانوادگی، دارای اثر اجتماعی و تمدنی می‌داند. او، کوچک‌ترین کار در داخلی‌ترین محیط خانه، با نیت اجتماعی را مصداقی از عمل و تأثیر اجتماعی به حساب می‌آورد (وفایی صدر، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

همچنین زن الگوی سوم، بر جایگاه محوری خود در خانواده - به‌عنوان مهم‌ترین رکن

تربیتی در اجتماع - واقف است و مهم‌ترین وظیفه و تکلیف خود را پرورش فرزندان صالح و آینده‌ساز می‌داند و تربیت اجتماعی و سیاسی را به‌عنوان سیاسی‌ترین تأثیر خود به شمار می‌آورد (همان: ۲۰۵).

او، برخلاف زن غربی که به نفی صفات زنانه می‌پردازد، با شناخت نقاط قوت زنانه خود و با برخورداری از عواطف مادرانه، فرزندان خود را از محبت و عاطفه سیراب می‌کند و انسانی سالم، بدون عقده و دارای عزت نفس تربیت می‌نماید.

از سوی دیگر، با به‌کارگیری صحیح نفوذ قهری خود بر همسر و فرزندانش، آنان را به حضور و مشارکت در صحنه‌های مهم و مورد نیاز، دعوت می‌کند. بانوی الگوی سوم، در مقابل خداناباوری الگوی غربی، بندگی و تقرب را به‌عنوان هدف نهایی پیش روی خود قرار می‌دهد و تصمیمات و رفتارهای خود را در همان راستا، جهت‌دهی می‌کند و با ایجاد محیط آرامش و فضای رشد معنوی، خود و خانواده خویش را در رسیدن به هدف والای تقرب و بندگی یاری می‌دهد. او استعدادهای فکری، علمی و معنوی خود را می‌شناسد و با اجتناب از فردگرایی غربی، از آن‌ها، در جهت رشد فردی، خانوادگی و اجتماعی استفاده می‌کند.

با این حال با تفکیک امور اصالی از امور عرضی و اضطراری، در صورت نیاز، در عرصه اجتماع نیز حضور پیدا کرده و به فعالیت می‌پردازد. در این الگو، زن به کمک دو عنصر عفاف و حجاب، افزون بر حفاظت از امنیت شخصی خود، به امنیت و سلامت اخلاقی جامعه کمک کرده و محیطی به دور از سوگیری‌های جنسی و مناسب برای فعالیت مؤثر فراهم می‌کند.

اساساً حجاب اسلامی در پی محدود و محبوس کردن زنان در خانه و جلوگیری از بروز استعدادهای آنان نبوده است. بنای حجاب در اسلام بر تحدید التذاذ جنسی در بستر خانواده و به همسر مشروع و ایجاد محیط سالم اجتماع برای کار و فعالیت است. اسلام با قرار دادن حجاب می‌خواهد محیط کار را از محیط التذاذ جنسی تفکیک کند (مطهری،

در نتیجه، زن مسلمان، به خوبی می‌تواند با حفظ حجاب خود، به نقش‌آفرینی فعالانه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی در محیطی سالم و خالی از نگاه‌های جنسی و جنسیتی بپردازد و با شخصیت انسانی خود، و نه به‌عنوان کالا یا ابزاری برای لذت جویی، شناخته شود. از اینجاست که تفاوت زن الگوی سوم با زن الگوی شرقی و غربی مشخص می‌شود. زن الگوی سوم، برخلاف زن الگوی شرقی، علاوه بر پذیرش نقش‌های خانوادگی، به اجتماع نیز وارد می‌شود و به فعالیت اجتماعی می‌پردازد. همچنین برخلاف زن الگوی غربی، حجاب و عفاف خود را حفظ و از سلامت جامعه پاسداری می‌کند و هدف او از ورود به فعالیت اجتماعی، کنشگری‌ای مؤثر و نه جلوه‌گری و خودنمایی است و تعالی جامعه را در دستور کار قرار می‌دهد.

بنابراین، زن الگوی سوم، به‌دلیل برخورداری از نقش محوری و مرکزیت در دو بعد خانوادگی و اجتماعی، می‌تواند بیشترین تأثیر را در جامعه‌سازی و تصمیم‌سازی‌ها ایفا کند و با برخورداری از صفت پویایی و فعال بودن، می‌تواند زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن یعنی تمدن‌سازی را فراهم کند و در این زمینه، نقش‌آفرینی فعالانه داشته باشد. اما از میان اهداف هفتگانه انقلاب اسلامی، می‌توان چهار هدف و محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی را به‌عنوان مهم‌ترین عرصه برای فعالیت زنان به‌شمار آورد. به همین جهت، به نقش زن الگوی سوم در پیشبرد هر یک از اهداف چهارگانه خواهیم پرداخت.

## ۵. زن الگوی سوم و حیطه‌های چهارگانه

### ۵.۱. حیطه علم و پژوهش

زن الگوی سوم، با شناخت جایگاه خود، نقش خود را در پیشرفت علمی و پژوهشی کشور از دو جنبه، امکان‌پذیر می‌داند. در جنبه اول، او خود را به‌عنوان اولین مربی فرزند و

دارای تأثیر بالا در ارتقا سطح آگاهی و دانش او به شمار می‌آورد.

او اساساً دامان مادر را به عنوان اولین مدرسه برای فرزند به حساب می‌آورد و خود را علاوه بر برخورداری از تأثیرگذاری تربیتی و شکل‌دهی به شخصیت و روحیات فرزند، در انتقال آگاهی‌ها به او نیز، تأثیرگذار می‌داند.

از همان آغاز تولد و به‌ویژه در دوران کودکی، اولین اطلاعات و آگاهی‌ها از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود و سنگ بنای آگاهی‌های او را شکل می‌دهد. دوران کودکی، حساس‌ترین و مهم‌ترین دوران برای کسب علم و آگاهی است و فراگیری دانش در این دوران دارای ضریب ماندگاری و ثبات بیشتری نسبت به دوره‌های دیگر زندگی است. این ماندگاری به حدی است که در روایات اسلامی، یادگیری در دوران کودکی به حکاکی بر روی سنگ تشبیه شده و به ماندگاری آن اشاره شده است (مجلسی، ۱۳۱۵: ۱/۲۲۴). به همین جهت است که جایگاه مادر به دلیل ارتباط نزدیک با فرزند از همان کودکی، در آموزش و انتقال دانش به او اهمیت دارد. همچنین مادر با شناخت کافی از ویژگی‌های شخصیتی فرزند خود، توانایی پرورش آگاهی‌های علمی و مهارت‌های عملی او را داراست و مسئولیت رشد علمی و عملی فرزند را برعهده دارد. علاوه بر این، کشف استعدادها و علمی فرزند و رشد دادن آن‌ها، در ابتدا در محیط خانه و به‌ویژه توسط مادر و سپس در مدرسه و اجتماع صورت می‌گیرد. بر این است که همواره مادر به عنوان بزرگترین مربی و معلم فرزند شناخته شده و نقش تربیتی ویژه‌ای برای مادران در نظر گرفته شده است.

با این حال، انتقال و رشد آگاهی فرزند در صورتی امکان‌پذیر است که مادر خود نیز، از آگاهی بهره‌مند باشد. معلم و مربی در صورتی می‌تواند به تعلیم بپردازد که خود، از آن معلومات، آگاهی کافی داشته باشد و با تسلط کافی، توانایی انتقال آگاهی‌ها به یادگیرنده را داشته باشد. از آنجایی که، در پارادایم الگوی سوم، مادر، اولین و بهترین معلم فرزند شناخته می‌شود، توجه به ارتقا سطح علمی زنان و مادران در این الگو، اهمیت دارد. به همین جهت، زن الگوی سوم، رشد علمی و ارتقا سطح آگاهی‌های خود را باید در دستور کار قرار دهد و در



مرتبه نخست، علم و دانش را با هدف تأثیر بر فرزندان خود فراگیرد. اگر زن، بتواند به علم و معرفت در کنار کمالات معنوی و اخلاقی دست پیدا کند، تربیت فرزندان بهتر خواهد بود و یادگیری فرزندان بهتر اتفاق می‌افتد (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۶ <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/۲۸۵۹>).

در صورتی که در نتیجه تربیت صحیح و مبتنی بر تعلیمات دینی، مادر، خود، برخوردار از دانش و آگاهی باشد، اولاً می‌تواند اطلاعات علمی و آگاهی‌های لازم را به فرزند منتقل کند و همچنین با افزایش آگاهی‌های مادر و به دنبال آن تغییر نگرش‌های او، توجه شایانی به رشد علمی فرزندان صورت می‌گیرد. بر این، در بعد خانوادگی الگوی سوم، ارتقا توان علمی خانواده و به‌ویژه فرزندان از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های مادر شناخته شده و بر فراگیری دانش توسط مادر در این جهت، تأکید شده است.

این دیدگاه در مقابل دیدگاه شرقی قرار دارد. زن الگوی شرقی، امکان بهره‌گیری از علم و دانش را ندارد و صرفاً به جایگاه او در تأمین نیازهای جسمی فرزند توجه می‌شود. اما در مقابل زن الگوی سوم، دارای تأثیر عمیق بر روحیات فرزند شناخته می‌شود و فراگیری علم در جهت انتقال آگاهی‌ها به فرزند وظیفه او تلقی می‌شود.

علاوه بر این، مادر در سوق دادن فرزندان خود به سمت فراگیری علم و دانش نقشی برجسته دارد. پدر، مادر، محیط زندگی و محیط آموزشی هر یک به شکلی در ایجاد انگیزه و کشش در فرزند به سمت کسب آگاهی و دانش نقش ایفا می‌کنند، اما در این بین، جایگاه مادر، به دلیل ارتباط نزدیک محیطی و عاطفی با فرزند و وابستگی و شباهت زیاد اخلاقی فرزند به مادر، دارای برجستگی و اهمیت ویژه است. علاوه بر این، اشتیاق نشان دادن مادر به کسب دانش و اهمیت دادن به موضوع علم‌آموزی از جانب مادر، می‌تواند الگویی برای فرزند و عاملی برای ایجاد انگیزه در او به شمار آید. بنابراین، زن الگوی سوم می‌تواند با اشتیاق نشان دادن به کسب علم و مطالعه، الگویی مناسب و مؤثر برای فرزند خود باشد. اما از جنبه دیگر، خودکفایی و بالا بردن تراز علمی کشور، تنها از طریق مشارکت عموم

افراد جامعه امکان‌پذیر است. یکی از اقشاری که در عرصه پیشرفت علمی کشور وارد شدند و در مسیر افزایش توان علمی و تحقیقاتی گام‌های مؤثری برداشتند، زنان بوده‌اند. زنان به‌عنوان نیمی از افراد جامعه، علاوه بر نقش واسطه‌ای از طریق سوق دادن فرزندان خود، در مسیر پیشرفت علمی کشور، مستقلاً نیز می‌توانند نقش‌آفرینی علمی داشته باشند. اساساً زمانی می‌توان جامعه‌ای را جامعه‌ای سالم به شمار آورد که در آن، زنان بتوانند فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره جهان به عهده بگیرند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با خواهران پزشک، <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2250۱۳۶۸/۱۰/۲۶>).

بر این، رشد علمی زنان نه تنها شایسته و پسندیده است، بلکه در جهت رشد حرکت علمی کشور ضرورت نیز دارد. بنابراین، زن الگوی سوم باید با گام نهادن در مسیر پیشرفت علمی کشور، آن را در مسیر رشد علمی یاری دهد. اساساً زنان در الگوی سوم، برخلاف زنان غربی که خودنمایی را دلیل حضور اجتماعی خود می‌دانند، علت حضور اجتماعی خود را تأثیرگذاری اجتماعی و به‌ویژه تأثیرگذاری علمی قرار می‌دهند.

یکی از جنبه‌های نقش‌آفرینی علمی زنان، مشارکت ایشان در جنبش نرم‌افزاری یا عرصه تولید علم و ایده‌پردازی و نظریه‌پردازی است. لازمه تولید علم و ارائه ایده و نظریه جدید نیز، برخورداری از اطلاعات و آگاهی‌های لازم در همان حوزه تخصصی و آشنایی با زوایای مختلف آن موضوع علمی است. به همین جهت، مطالعات تخصصی یا تحصیل در محیط‌های دانشگاهی رسمی یا مراکز علمی و تحقیقاتی برای کسب اطلاعات علمی تخصصی، پیش‌زمینه برای صاحب‌نظر شدن و ایده‌پردازی و الزامی است. رهبر فرزانه انقلاب با تأکید بر این موضوع و با اشاره به لزوم فراگیری معلومات و معارف توسط زنان، این وظیفه را به عهده خود آنان گذاردند و فرمودند: «این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان،

(<https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2859۱۳۷۶>).

در صورتی که فکر رایج در میان زنان، رشد علمی و افزایش آگاهی و معرفت باشد، جامعه زنان و به تبع آن تمام جامعه انسانی، به پیشرفت در زمینه‌های مختلف دست پیدا خواهد کرد.

همچنین جنبه دیگر مشارکت زنان در عرصه علمی کشور، حضور آنان در صحنه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی است. زنان می‌توانند با ورود به مدارس و دانشگاه‌ها، در تربیت نسلی متعهد، باایمان و نخبه دخیل باشند. همچنین می‌توانند با حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری همچون ادارات آموزشی یا وزارت آموزش و پرورش، در سیاست‌گذاری‌های آموزشی دخالت داشته باشند و به تصمیم‌گیری در زمینه‌های علمی کشور بپردازند.

بنابراین، نقش‌آفرینی علمی زنان در گام دوم انقلاب را می‌توان به سه شکل دسته‌بندی کرد. در شکل نخست آن، زنان در جایگاه مادری در سوق دادن فرزندان خود به عرصه‌های علمی تأثیر دارند. در شکل دیگر نیز، می‌توانند به صورت غیررسمی در پیشرفت علمی کشور دخالت داشته باشند. در شکل سوم نقش‌آفرینی نیز، به صورت رسمی و در محیط‌های آموزشی، می‌توانند به فعالیت علمی بپردازند و کشور را در مسیر دستیابی به اهداف علمی آن و به‌ویژه مهم‌ترین هدف آن، که رسیدن به قله‌های دانش جهان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۹)، یاری دهند.

## ۵.۲. حیطه معنویت و اخلاق

نقش زنان در گسترش معنویت و اخلاق در جامعه، از سه جنبه خانوادگی، اجتماعی و فردی قابل بررسی است. در جنبه نخست، زن به‌عنوان اولین مربی فرزند، در آموزش اخلاقیات به او و سوق دادن او به سمت رفتارهای اخلاقی و بازداشتن از بزهکاری و گناه تأثیر دارد. یکی از عوامل مهم بازدارنده از ارتکاب گناه و بزهکاری، داشتن احساس عزت نفس است. امام علی در این خصوص در حدیثی فرموده‌اند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا

بالمعصية یعنی کسی که پیش خودش کریم باشد نفس خودش را با ارتکاب به معصیت بی ارزش نمی‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱/۶۳۴).

انسانی که خود را، ارزشمند بیندارد و برای شخصیت خود ارزش و احترام قائل باشد، هرگز به گناه، که از عوامل خواری نفس به شمار می‌رود، نزدیک نمی‌شود. به همین جهت است که خداوند در قرآن، باکرامت‌ترین افراد را افراد با تقوا معرفی کرده است (حجرات، ۱۳)، زیرا انسان با تقوا با برخورداری از کرامت و عزت نفس، هرگز به گناه و بزهکاری مرتکب نمی‌شود.

بنابراین یکی از وظایف مهم زن، این است که فرزند را با عواطف، تربیت صحیح و دل دادن، به‌گونه‌ای بار بیاورد که انسانی از لحاظ روحی سالم و بدون عقده و گرفتاری باشد (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰: <https://khl.ink/f/۷۲۸۴/farsi.khamenei.ir>)

همچنین زن الگوی سوم، برخلاف فردگرایی و مادی‌گرایی غربی، با حفظ مرکزیت و محوریت خود در خانواده می‌تواند با ایجاد محیطی سرشار از آرامش و معنویت، خانواده خویش را به سمت معنویت هدایت کند. حرکت در مسیر رشد معنوی نیازمند برخورداری از محیط آرامش و اطمینان و بدور از اضطراب و دلهره است، که این، از وظایف مهم و اصلی زن در محیط خانه به شمار می‌رود.

اما در بعد اجتماعی، زن می‌تواند با حفظ حجاب و عفاف خود در محیط اجتماع، به سالم و پاکیزه نگه داشتن آن، کمک کند. زن با حضور خود در اجتماع با حفظ حجاب و عفاف، خود، به آرامش دست پیدا می‌کند و علاوه بر آن، این آرامش را به دیگران نیز هدیه می‌دهد. زیرا از این طریق است که محیط آلوده جنسی به محیط سالم انسانی تبدیل می‌شود و سلامت روحی و معنوی جامعه را به دنبال می‌آورد.

همچنین با جدا کردن تمتعات جنسی از محیط اجتماع، فسادهای اخلاقی در جامعه کاهش می‌یابد و زمینه سلامت و تعالی جامعه فراهم می‌شود. امام رضا در بیان فلسفه

حجاب با اشاره به این موضوع می‌فرمایند: «حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجُ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدُّخُولِ فِيَمَا لَا يَحِلُّ» نگاه کردن به موهای زنان شوهردار و غیرشوهردار، حرام است؛ زیرا این نگاه، مرد را تهییج و تحریک می‌کند. و تهییج، شخص را به فساد و داخل شدن در حرام و اعمال ناپسندیده می‌کشاند» (صدوق، ۱۳۸۵: ۵۶۵/۲).

بنابراین، زن با پرهیز از تقلید از بی‌بندوباری زنان غربی و با استفاده از حجاب به‌عنوان وسیله‌ای برای کاهش فساد و افزایش سلامت در اجتماع، به افزایش سلامت معنوی و اخلاقی جامعه کمک می‌کند.

اما از جهتی دیگر، زن می‌تواند با افزایش معنویت فردی خود، به رشد معنویت در اجتماع بیفزاید. بدین طریق که قلّه حرکت معنوی خود را رسیدن به مقام قرب الهی قرار دهد و با ایجاد آمادگی در خود و با الگوگیری از اسوه‌های معنویت، در این مسیر به حرکت بپردازد.

### ۳.۵. حیطه اقتصاد

نقش‌آفرینی زنان در پیشرفت اقتصادی کشور، به اشکال مختلفی امکان‌پذیر است. در شکل نخست، ایجاد آرامش و سکون در محیط خانواده و آرام کردن ذهن مردان از هرگونه اضطراب و تشویش، وظیفه زن است. در صورتی که، مرد از آرامش ذهنی و روانی برخوردار باشد، می‌تواند در عرصه کار و فعالیت اقتصادی، وظیفه خود را به بهترین نحو به‌انجام رساند. زن می‌تواند روحیه خسته همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و با نفوذ در قلب او و ابراز محبت به او، قوّت قلب مرد در برابر ناراحتی‌ها و آلام باشد. زن با فراهم کردن و آماده ساختن محیطی با نشاط و صمیمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و توجه به بهداشت روحی، جسمی و روانی اعضای خانواده - به‌ویژه همسر خود - اثر مستقیم بر اقتصاد می‌گذارد (اسحاقی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

بنابراین، زنان می‌توانند با تأثیر بر روحیات مردان، ذهن آنان را برای انجام فعالیت‌های

اقتصادی آماده کنند و بدین طریق در پیشرفت اقتصادی کشور دخالت داشته باشند. همچنین با تربیت صحیح فرزندان خود می‌توانند آنان را با فرهنگ کار و تولید آشنا کنند و به اشتغال و تولید و تلاش برای پیشرفت اقتصادی کشور گرایش دهند.

اما به شکلی دیگر، می‌توانند با حمایت از کالاهای تولید داخل به کاهش بیکاری، اشتغال‌زایی و در نهایت به پویایی اقتصاد کشور کمک کنند. علاوه بر این، با کاهش هزینه‌های مصرفی در خانه، می‌توانند از هزینه‌های نابجا جلوگیری کنند و این هزینه‌ها را در حوزه‌های پیشرانی اقتصادی کشور سوق دهند. آنان می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح، نقش مدیریتی خود در خانه را به خوبی انجام دهند و با دوری از چشم و هم‌چشمی و مصرف‌گرایی، در منابع و هزینه‌های زندگی صرفه‌جویی کنند و در نتیجه با برنامه‌ریزی‌ای منطقی و عقلانی، امور معیشتی و اقتصادی خانواده را سامان دهند.

از جانب دیگر نیز، زنان می‌توانند در محیط خانه و در کنار رسیدگی به امور خانه، فعالیت اقتصادی نیز داشته باشند و به اقتصاد خانواده و اجتماع کمک کنند. کسب و کارهای کوچک خانگی، می‌توانند بهترین نوع فعالیت اقتصادی زنان به شمار آیند و بهترین شکل فعلیت یافتن اقتصاد مقاومتی باشند.

همچنین زنان می‌توانند خارج از محیط خانه به فعالیت اقتصادی بپردازند و به اقتصاد خانواده و جامعه کمک کنند. این شکل از فعالیت اقتصادی به دو شرط امکان‌پذیر است. شرط اول آن، تعارض نداشتن فعالیت خارج از خانه با وظایف اصلی زنان یعنی وظایف همسری و مادری و شرط دوم، سازگاری داشتن آن شغل با طبیعت زن است (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۱/۳۰ <https://khl.ink/f/۲۶۱۵۵/farsi.khamenei.ir>) این دو شرط مهم، وجه تمایز اشتغال زن الگوی سوم از زن غربی است. زن الگوی غربی، اشتغال خود را بر وظایف خانه‌داری ترجیح می‌دهد و اشتغال را به‌عنوان هدف اصلی خود برمی‌گزیند. همچنین با نفی مطلق ویژگی‌های زنان، توجهی در انتخاب شغل متناسب با طبیعت خود به خرج نمی‌دهد. در

مقابل اما زن الگوی سوم، خانه‌داری را شغل اصلی خود به شمار می‌آورد و در صورت پذیرش شغل خارج از خانه، به سازگاری آن شغل با طبیعت زنانه‌اش توجه نشان می‌دهد. در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، نقش زنان در پیشرفت اقتصادی کشور در دو حوزه خانوادگی و اجتماعی امکان‌پذیر است. در حوزه خانوادگی، زنان می‌توانند با ایجاد محیط آرامش در خانه، ذهن مردان را برای فعالیت اقتصادی آماده کنند. همچنین می‌توانند به فرزندان خود برای فعالیت شغلی در آینده آگاهی و آمادگی دهند. مصرف بهینه، حمایت از تولید داخلی و کسب و کار خانگی از دیگر فعالیت‌های زنان در مسیر پیشرفت اقتصادی است. همچنین آنان می‌توانند، خود، خارج از خانه به اشتغال پردازند و نقش‌آفرینی اقتصادی داشته باشند.

#### ۴-۵. حیطه سبک زندگی

زنان به‌عنوان محور خانواده نقش ویژه‌ای در رواج سبک زندگی اسلامی دارند. به‌طور کلی می‌توان تمام مسائل مربوط به سبک زندگی را در حیطه نقش‌آفرینی زنان داخل دانست، اما با این حال، مسائل خانواده، لباس و پوشش و الگوی مصرف، مسائلی‌اند که زنان بیشترین ارتباط را با آن‌ها دارند. بر این، به نقش زنان در این سه حوزه خواهیم پرداخت.

#### ۱-۴-۵. مسئله خانواده

خانواده به‌عنوان رکن اساسی اجتماع و اولین گروه تشکیل‌دهنده آن، در سبک زندگی اسلامی اهمیتی ویژه دارد. در خانواده اسلامی، مرد مظهر اعتماد و اتکا و مسئول امور بیرونی خانه و زن نیز مظهر عاطفه و ظرافت و محور خانه و تأمین‌کننده آرامش روحی و معنوی در خانه است. زن، در خانواده، در قلب و مرکز قرار دارد و امور خانه حول محور او به‌گرددش درمی‌آید و حفظ استحکام خانواده به نوع حضور زن در خانواده بستگی دارد. خانواده برای زن در الویت است و نقش‌های دیگر زن، از نقش‌های خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد. در الگوی سوم، در کنار پذیرش نقش‌های اجتماعی زنان و توجه و اهمیت نشان دادن به آن، به لزوم

الویت‌بندی میان نقش‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی تأکید شده و خانه و خانواده در رأس الویت‌های زنان قرار داده شده است. مقام معظم رهبری نیز مسئله خانواده را مهم‌ترین مسئله برای زن می‌داند و می‌فرماید: «در مسئله زن آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، مسئله خانواده است؛ نقش زن به‌عنوان عضوی از خانواده، به نظر من از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، این اهمیتش بیشتر است» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا، ۱۳/۴/۱۳۸۶ <https://farsi.khamenei.ir> .(<https://khl.ink/f/3390>).

بنابراین، ممکن است زن با وجود پذیرش نقش‌های خانوادگی، نقش‌های دیگر اجتماعی را نیز بپذیرد، اما آنچه اهمیت دارد این است که نقش مادری و همسری او به حاشیه رانده نشود و در مرکز توجه قرار گیرد.

در مقابل اما، سبک زندگی غربی، همواره به دنبال جدا کردن زن از محیط خانواده و گرفتن مرکزیت خانواده از زن بوده است. این سبک از زندگی، با ارزش نهادن برای فعالیت‌های خارج از خانه و تحقیر فعالیت‌های درون خانه و با نفی ویژگی‌های مثبت زنانه، درصدد فاصله انداختن میان زن و وظایف اصلی او و کشاندن افراطی او به محیط‌های اجتماعی و شغلی بوده است. در نتیجه این اقدامات، بیشترین ضربه به نهاد خانواده وارد خواهد آمد. از همینجاست که وظیفه زنان در قبال ترویج سبک زندگی اسلامی و نفی سبک زندگی غربی در حوزه خانواده، روشن می‌شود.

زنان باید با حفظ ویژگی‌های زنانه خود، مرکزیت و مدیریت خود در داخل خانه را حفظ کنند و بیشترین اهتمام خود را بر وظیفه مهم انسان‌سازی (خمينی، ۱۳۸۵: ۳۰۰/۶) خود قرار دهند. وظیفه تربیت فرزند مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده زنان گذارده شده و از هر فعالیت دیگر، مهم‌تر دانسته شده است.

همچنین زن، در خانواده اسلامی، وظیفه ایجاد محیط آرامش روحی و معنوی خانواده به منظور فراهم کردن زمینه برای رشد مادّی و معنوی را بر عهده دارد و مسئولیت تأمین سلامت



جسمی و روحی اعضا خانواده بر دوش او قرار می‌گیرد. در صورتی که زن بتواند با کمک اعضای دیگر خانواده این مهم را تحقق بخشد، جامعه نیز از صلاح و سلامت برخوردار می‌شود. در صورتی که خانواده سالم باشد و استحکام داشته باشد و تزلزل نداشته باشد، به دنبال آن، جامعه نیز به خوبی اصلاح می‌شود.

همچنین ویژگی بارز زن مسلمان در الگوی سوم، برخورداری از عفاف است. از طریق این ویژگی است که زن، اولاً خود را در برابر آلودگی‌های اخلاقی ایمن نگه می‌دارد و در مرتبه بعد، خانواده و اجتماع را از آلودگی‌ها حفظ می‌نماید. در صورتی که مادر، عقیف و پاک باقی بماند، به تبع آن، محیط خانواده نیز پاک باقی خواهد ماند.

در نتیجه، وظیفه زنان در رواج سبک زندگی اسلامی در حوزه خانواده، شناخت جایگاه خود و دیگر اعضا در خانواده و انجام درست وظایف خود و دوری از سبک زندگی غربی است، که در صورت تحقق آن، این بخش مهم از سبک زندگی، استوار باقی خواهد ماند.

## ۲-۴-۵. لباس و پوشش

مسئله پوشش و لباس زنان در سبک زندگی اسلامی اهمیت زیادی دارد. در این خصوص، حفظ حدود شرعی و اسلامی حجاب در طراحی لباس‌های زنان ضرورت دارد. زنان مسلمان، خود، می‌توانند با آموزش دوخت لباس و با طراحی لباس‌های زیبا و در عین حال با حجاب، در ترویج امر حجاب در پوشش دخیل باشند. حدود حجاب در قرآن بدین شکل مطرح گردیده است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ... يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرَهُنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...﴾ (نور، ۳۱). بنابراین رعایت حد حجاب در طراحی لباس‌های زنان با این مبنا باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین زنان، می‌بایست در انتخاب و خرید لباس، علاوه بر ملاک‌های فرعی، برخورداری از حجاب را نیز به عنوان ملاک اصلی مدنظر قرار دهند.

همچنین پرهیز از تقلید از غرب در مسئله پوشش و توجه نشان دادن به لباس‌های محلی و سنتی باید مورد توجه قرار گیرد. نباید تصور شود که بدحجابی به زن ارزش و کرامت

می‌دهد بلکه زنان باید ارزش خود را در محجبه و عقیف بودن پیدا کنند. امام علی، زن عقیف را در چشم مردان - حتی مردان شهوتران - دارای تعالی و کرامت شخصیت می‌دانند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴/۲۰۰).

این درحالی است که در غرب، ارزش زنان به میزان بدحجابی و عریان بودنشان بستگی دارد و عفاف و حجاب یک زن به عنوان ارزشی برای او تلقی نمی‌شود. اما در مقابل، زنان مسلمان، رعایت حجاب و عفاف در جامعه را وظیفه و ملاک ارزشمندی خود می‌دانند و حجاب را به عنوان معیار اصلی در انتخاب لباس، مد نظر قرار می‌دهند. در نتیجه، نقش زنان در مسئله لباس و پوشش بر دو اصل رعایت حجاب و پرهیز از پوشش غربی استوار است.

### ۳- ۴- ۵. الگوی مصرف

مصرف‌گرایی، به معنای مصرف بیش از حد نیاز، ریشه در فرهنگ غربی دارد و از آن جا به نقاط دیگر جهان از جمله ایران رواج پیدا کرده است. هدف غرب از رواج مصرف‌گرایی در جهان، فروش بیشتر محصولات خود بوده که در این میان، زنان را بیشتر از مردان مورد هدف قرار داده است.

اما برخلاف فرهنگ غربی، در سبک زندگی اسلامی، مصرف‌گرایی تقبیح شده و به استفاده صحیح از نعمات الهی تأکید شده است. خداوند در قرآن به استفاده از نعمات خود دعوت و از اسراف آن‌ها نهی فرموده است (اعراف، ۳۱).

در این بین، نقش زنان به عنوان مدیران اقتصادی داخل خانه، در رواج الگوی صحیح مصرف و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی، اهمیت دارد. زنان در الگوی سوم با مرکزیتی که در خانه دارند می‌توانند، در مدت زمانی که در خانه حضور دارند، به مقدار مورد نیاز از برق و وسایل برقی استفاده کنند و در صورتی که روشنایی محیط خانه در حد نیاز، تأمین بود، از استفاده بیشتر از آن خودداری نمایند. همچنین در مقدار آب مصرفی، میزان احتیاج خود را برآورد نمایند و به همان میزان از آب برداشت کنند.

علاوه بر این، می‌توانند با در نظر گرفتن تعداد افراد خانواده، به همان میزان غذا تهیه کنند و در صورتی که مقداری از حجم غذا باقی ماند، از دورریزی مقدار غذای مازاد پرهیز کنند. همچنین آنان می‌توانند با تفکیک زباله و بازیافت مواد قابل بازیافتی، به استفاده مجدد از مواد موجود و جلوگیری از تولید غیرضروری کمک نمایند.

تجملگرایی و چشم و هم‌چشمی نیز از عوامل رواج مصرف‌گرایی‌اند که تأثیر زیادی بر افزایش میزان مصرف افراد در جامعه گذاشته‌اند. این دو خصلت ناپسند از طرفی، با مشغول کردن انسان به مادیات، او را از یاد خدا غافل می‌کنند و از طرف دیگر موجب هدر رفتن منابع و به دنبال آن، آسیب به اقتصاد کشور می‌شوند. به همین جهت، مبارزه با این دو خصلت ناپسند اخلاقی و پرورش روحیه قناعت و رضامندی ضروری است. در این میان، زنان به دلیل حجمه‌های بیشتری که از ناحیه سرمایه‌داران به منظور افزایش فروش خود، بر آنان وارد آمده و موجب انحراف آنان از اهداف اصیل زندگیشان شده، به تلاش بیشتر و مقاومت در برابر این دو خصلت نیازمند هستند. مقام معظم رهبری نیز، در سخنانی تجملگرایی را از بزرگترین انحرافات زنان دانستند و آنان را به مقاومت در برابر آن دعوت نمودند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۰: <https://farsi.khamenei.ir> <https://khl.ink/f/2511>).

همچنین محاسبه دقیق احتیاجات خانه و جلوگیری از خرید مواد غیرضروری از وظایف زن در خانواده است.

این موارد، نیازمند تدبیر و حسابگری سنجیده و درایت زن در خانه است. امام علی در همین راستا، حسن تدبیر و اجتناب از اسراف را نشانه حسن سیاست دانستند و فرمودند: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ وَ تَجَنُّبُ التَّبْدِيرِ مِنْ حُسْنِ السِّيَاسَةِ يَعْنِي تَدْبِيرَ نِيكُو وَ دَوْرِي اِزْ اسْرَافِ، نشانه سیاست نیکوست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۴۱/۱).

بنابراین، کسب اطلاعات در زمینه الگوی صحیح مصرف و یادگیری شیوه‌های صحیح صرفه‌جویی، برای زنان الزامی است. همچنین، آگاهی از اهداف غرب از رواج مصرف‌گرایی و

آگاهی دادن به فرزندان در این زمینه و آموزش راه‌های مؤثر صرفه‌جویی به آنان از وظایف زنان در جایگاه مادری است.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که زنان در تحقق اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم، نقش اساسی دارند. مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم در بیانیه گام دوم انقلاب در قالب هفت محور مشخص شده‌اند که در این بین نقش‌آفرینی زنان در چهار محور علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد و سبک زندگی حائز اهمیت است. زنان در مرتبه نخست، به‌عنوان رکن اصلی خانواده و در نقش‌های خانوادگی همچون همسری و مادری و در مرتبه بعد، در اجتماع و به‌عنوان یک شخصیت مستقل، قادر به نقش‌آفرینی در جهت تحقق اهداف انقلاب به‌ویژه در گام دوم انقلاب هستند. الگوی برتر برای نقش‌آفرینی زنان نیز، الگوی سوم زن است. زن الگوی سوم برخلاف زن غربی، عفیف، محجبه، پاسدار سنگر خانواده و برخلاف زن شرقی، فعال و پویا در عرصه‌های اجتماعی و در متن و مرکز است. از طریق فعلیت بخشیدن به این ویژگی‌هاست که می‌توان شاهد مشارکت زنان در تحقق هر چه بهتر اهداف انقلاب در گام دوم بود.

### پیشنهاد و نظریه‌پردازی

۱. توجه به ارتقا سطح سواد و معلومات دینی زنان خانه‌دار.
۲. برنامه‌ریزی شغلی صحیح و منعطف برای مادران شاغل.
۳. برنامه‌ریزی در جهت شناساندن الگوی سوم به‌عنوان برترین الگوی زنان به زنان جامعه.
۴. تلاش در جهت افزایش کرامت و ارزش زنان در خانواده و جامعه.
۵. ایجاد و اصلاح سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی در راستای افزایش مشارکت اجتماعی زنان و مادران.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ۱۳۷۳، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم
۲. ابن خلدون، ۱۳۷۵، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. اسحاقی، حسین، ۱۳۹۰، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم، نشر هاجر.
۴. الهی خراسانی، علی، ۱۳۹۱، «نقد پارادایمی رویکرد سنتی به مسئولیت اجتماعی زن مسلمان»، حوزه، ش ۱۶.
۵. بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران، کیهان.
۶. پاسنو، دایان، ۱۳۸۴، فمینیسم، رمز و راز زنانگی یا اشتباه، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ترجمه زینب فرهمند و پروین قائمی، قم، معارف.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۸. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۷، بیانیه گام دوم انقلاب، بی‌نا.
۹. خندان، محمد، ۱۳۹۲، «کتابداری و مفهوم پارادایم در فلسفه علم توماس کوهن»، صدای جمهوری اسلامی ایران، ش ۶۹.
۱۰. دورانت، ویل. دورانت، آریل، ۱۳۹۳، تاریخ تمدن، تهران، بهنود.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. روتلیج، م، ۱۸۳۶م، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۳. زرشناس، شهریار، ۱۳۸۳، واژه‌نامه فرهنگی، سیاسی، تهران، کتاب صبح.
۱۴. سورین، ورنر. تانکارد، جیمز، ۱۳۸۶، نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. صدوق، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم، نشر داوری.
۱۶. طبیبیان، سید حمید، ۱۳۷۸، فرهنگ فرزانه فارسی-عربی، تهران، فرزانه روز.
۱۷. عبدالنور، جبور. ادریس، سهیل، ۱۹۸۶م، المنهل (قاموس فرنیسی عربی)، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۸. عمید، حسن، ۱۳۷۵، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۹. گولد، جولیس. ویلیام، کولب، ۱۳۸۴، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار.

۲۰. لوکاس، هنری، ۱۳۶۶، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آذرنگ.
۲۱. لوید، ژنویو، ۱۳۹۳، عقل مذکر، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، نی.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۱۵، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. محمدی، مرتضی، ۱۳۸۲، «بررسی وضعیت زنان قبل و بعد از ازدواج در قبایل بدوی آفریقا»، گاه‌نامه فرهنگی اداره کل آفریقا و عربی.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، زرین.
۲۶. مهریزی، مهدی، ۱۳۸۲، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۷. نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۷۱، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات رایزن.
۲۸. وفایی صدر، فاطمه، ۱۳۹۴، «مبانی فکری - کلامی الگوهای اجتماعی زنان»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ش ۶۸.
۲۹. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۴، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

